

به نام خداوند بخشنده مهربان

آنگاه که خورشید به هم درپیچد، (1) و آنگه که ستارگان همى‌تیره شوند، (2) و آنگاه که کوهها به رفتار آیند. (3) وقتى شتران ماده وانهاده شوند، (4) و آنگه که وحوش را همى‌گرد آرند، (5) دریاها آنگه که جوشان گردند، (6) و آنگاه که جانها به هم درپیوندند، (7) پرسند چو زان دخترک زنده به‌گور: (8) به کدامین گناه کشته شده است؟ (9) و آنگاه که نامه‌ها زهم بگشایند، (10) و آنگاه که آسمان زجا کنده شود، (11) و آنگه که جحیم را برافروزانند، (12) و آنگه که بهشت را فرا پیش آرند، (13) هر نَفْس بداند چه فراهم دیده. (14) نه، نه! سوگند به اختران گردان، (15) [کز دیده‌] نهان شوند و از نو آیند، (16) سوگند به شب چون پشت گرداند، (17) سوگند به صبح چون دمیدن گیرد، (18) که [قرآن‌] سخن فرشته بزرگوارى است. (19) نیرومند [که‌] پیش خداوند عرش، بلندپایگاه است. (20) در آنجا [هم‌] مطاع [و هم‌] امین است. (21) و رفیق شما مجنون نیست؛ (22) و قطعاً آن [فرشته وحى‌] را در افق رخشان دیده. (23) و او در امر غیب بخیل نیست. (24) و [قرآن‌] نیست سخن دیو رجیم. (25) پس به کجا مى‌روید؟ (26) این [سخن‌] بجز پندى براى عالمیان نیست؛ (27) براى هر یک از شما که خواهد به راه راست رود. (28) و تا خدا، پروردگار جهانها، نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست. (29)